

متن پرسش

سلام علیکم اخیرا حکم اعدام ۵ بسیجی که تحت تأثیر سخنرانی آیت الله مصباح اقدام به قتل چند نفر به جرم فساد و فحشا کرده بودند صادر شد. آیت الله مصباح گفتند که در آن سخنرانی عین احکام فقهی را استنساخ کرده اند ولی فتوایی صادر نکرده اند. اما به هر حال نتیجه آن شده است احساس تکلیف کردن ۵ بسیجی و این قتل‌ها. به نظر حقیر و به نظر بسیاری از منتقدین آیت الله مصباح نفس مطرح کردن چنین مواردی و موارد دیگر ریشه در باور آیت الله مصباح به هدایت و اصلاح اجباری جامعه دارد که به نظر میرسد فرسنگ‌ها با آموزه‌های اسلام و اهل بیت فاصله دارد. اظهار نظر اخیر آیت الله مصباح که در آن گفته بودند من به این نتیجه رسیدم که قرار نیست همه افراد بشر را به زور وارد بهشت کرد نشان میدهد که روزگاری چنین عقیده واضح البطلانی داشته اند. این رویکرد در شاگردان آیت الله مصباح هم به چشم می‌خورد که با آسمان و ریسمون به هم بافتن از گروه‌های دگراندیش، کافر و مرتد میسازند حتی از آقای مشایبی! از آن میترسم که مبادا جنجال‌های اصلاح طلبان که روزی میگفتند افراد وزارت اطلاعات با فتوای آیت الله مصباح اقدام به قتل‌های زنجیره‌ای کردن صحت داشت باشد! اظهاراتی منسوب به مرحوم سعید امامی هست که این را تأیید میکند. گذشته از این موارد جنجالی، آیا نفس صدور فتوای قتل شهروندان جامعه اسلامی مبتنی بر مستمسک فقهی مطابق با روح ارشادگری اسلام و تکریم جان انسان‌ها در اسلام هست؟ اگر آری آنگاه سوال جدیدتری مطرح میشود. اگر بخواهیم با چنین رویه‌ای با مفساد اجتماعی برخورد کنیم آنگاه آن کارگزاران حکومتی که در اثر اجرای برنامه‌های غلط و فسادزا در حوزه مدیریت اقتصادی کشور، مسبب بسیاری از مفساد و معضلات اجتماعی شده‌اند اولی به اعدام شدن نیستند؟ خوب اگر بخواهیم بنا به رویکرد آیت الله مصباح علل مفساد اجتماعی را بشناسیم باید حکم به اعدام بسیاری از مسئولین نظام دهیم که سیاست‌های نیولیبرال شیاطین وال استریت را در مملکت ما پیاده کردند و نتیجه اش شده است بسیاری از مفساد و ناهنجاری‌های اجتماعی که در این دو دهه اخیر داشتیم و داریم. این حکم آخر، نتیجه منطقی آن رویکرد فقهی است. یعنی سزاوار است که معلول‌ها را اعدام کنیم و مسببین و عاملین سیاسی این مفساد هیچ‌گاه محاکمه و مجازات نشوند؟ مردمی که قربانی شده‌اند در این وضعیت مطمئنا این‌گونه مسئله را تحلیل میکنند. گذشته از این، آیا به نظر حضرت عالی اصل اجرای حکم مفسد فی الأرض در صورت تعلل نهادهای جزایی حکومت اسلامی برای افراد به طور سرخورد مجاز است؟ البته میدانم هیچ پاسخی قطعی به این سوال نمیتوان داد چرا که هزار محذور و مصلحت در مصادیق به وجود می‌آید. پس چرا اساسا چنین حکمی که در مقام انطباق با مصادیق میتوان مفسده

باسمه تعالی: سلام علیکم: البته بنده از این که می‌فرمایید اطلاعی ندارم ولی تا آن جا که بنده آیت‌الله مصباح را می‌شناسم و سیره‌ی علماء را درک کرده‌ام، روح و روحیه‌ی این بزرگان این نیست که با وجود نظام اسلامی سخنی بگویند که منجر به چنین نتایجی بشود که می‌فرمایید آن آقایان به جرم فساد و فحشاء اقدام به قتل چند نفر کرده‌اند، و حقیقتاً معتقدم پروژه‌های در کار است که چهره‌ی این عالم بصیر و دلسوز را که در اوج تعادل است مخدوش کنند و در آن صورت به‌خوبی تیر خود را به هدف زده‌اند. بنده اگر آیت‌الله مصباح را نمی‌شناختم و از نزدیک متوجه نگاه باز و همه‌جانبه‌ی ایشان نبودم ممکن بود احتمال صدق این سخنان را بدهم. جرم ایشان این است که خیلی زودتر از بقیه متوجه انحراف می‌شوند و به کمک همین بصیرت خدادادی کشور را از خطر بزرگی که اصلاح‌طلبان برای انقلاب ایجاد کرده بودند نجات دادند و آن‌ها به کمک اربابان استکباری‌شان کینه‌های نهفته‌ی بسیاری نسبت به آیت‌الله مصباح دارند تا کلیت شخصیت این مرد بزرگ را زیر سؤال ببرند و گرنه هرکسی ضعف‌هایی دارد ولی کلیت این مرد مجاهد خودساخته فوق‌العاده پذیرفتنی و پسندیده است. ایشان از افراد نادری هستند که می‌دانند با حضور انقلاب در تاریخ معاصر چه کار بزرگی شروع شده است و به همین جهت شب و روز در تلاش اند تا انقلاب اسلامی به زیبایی تمام از همه‌ی انحراف‌ها مصون بماند. ای کاش جناب آقای احمدی‌نژاد به ایشان نزدیک می‌شد تا امروز سرنوشت انقلاب ما در جاده‌ای بسیار گسترده‌تر جلو می‌رفت. دوستان شاهدند که بنده همان روزهایی که در ذیل تأیید رهبری از آقای احمدی‌نژاد دفاع می‌کردم مکرراً عرض می‌کردم اگر بنده مخیر باشم بین آقای احمدی‌نژاد و آیت‌الله مصباح یکی را انتخاب کنم حتماً آیت‌الله مصباح را انتخاب می‌کنم و تأکید می‌کردم با شکستن آیت‌الله مصباح، اسلام انقلابی می‌شکند و زیبایی موضوع این بود که آن دوستان با توجه به تأکیدشان نسبت به دفاع از آقای احمدی‌نژاد، همگی بر همین نظر متفق بودند و مطمئن باشید دشمن هوشیارانه متوجه این امر هست که با شکستن آیت‌الله مصباح، اسلام انقلابی می‌شکند. ملاحظه کنید خود جنابعالی چطوری با مقدمات قیاسی به نتیجه‌ای رسیده‌اید که اگر خودتان را کنترل نکنید خواهید گفت همه‌ی ظلم‌ها به آیت‌الله مصباح برمی‌گردد چون معتقدید نتیجه‌ی منطقی رویکرد فقهی آیت‌الله مصباح در نهایت غفلت از ارزیابی ریشه‌ای فساد است. این نوع قیاس شبیه قیاسی است که گروه فرقان در مورد آیت‌الله مطهری داشتند که به اصطلاح اهل منطق انسان از یک مقدمه‌ی جزئی به یک نتیجه‌ی جزئی می‌رسد بدون آن که کبرای مناسبی در قضیه‌ی خود داشته باشد، در حالی که بسیاری از جوانب در این نتیجه‌گیری به جهت ضعف مقدمات مورد غفلت قرار می‌گیرد. شما هوشیاری آیت‌الله مصباح را نسبت به ضعف‌های اسلامی دولت آقای هاشمی و کینه‌ای که طرفداران تفکر آقای هاشمی نسبت به ایشان در دل دارند و بعضاً با روش خاص خود عملیاتی می‌کنند، مدّ نظر داشته باشید و از آن طرف تأییدات مکرر رهبری از ایشان را نیز مورد غفلت قرار ندهید تا از کلیت

بسیار مثبت آیت‌الله مصباح غفلت نفرمایید و ضعف بعضی از افراد را که خود را به ایشان منتسب می‌کنند را پای ایشان نگذارید وگرنه با این ملاک بسیاری از بزرگان دین را نیز باید نادیده بگیریم چون مثلاً فرزندشان جعفر کذاب بوده است. در آخر تأکید می‌کنم چنانچه مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» متوجه کلیت شخصیت آیت‌الله مصباح نباشند چنین تعبیرهایی نمی‌کنند که بعضی از آن تعبیرات چنین است: «رهبر معظم انقلاب اسلامی در منزل آیت‌الله مصباح یزدی: بنده هم به سهم خودم قدر آقای مصباح را می‌دانم. واقعا می‌دانم که ایشان در کشور و برای اسلام چه وزنه‌ای هستند و حقا و انصافا ما امروز نظیر ایشان را - حالا به این تعبیر بگوییم- خیلی نادر نظیر آقای مصباح ممکن است وجود داشته باشد با این وزانت علمی و عمق علمی و احاطه و وسعت و با این آگاهی و بینش و صفا. رهبر معظم انقلاب تصریح کردند: این سه جهت در ایشان جمع است؛ هم علم، هم بصیرت به معنای حقیقی کلمه و هم صفا. این سه تا با هم در وجود ایشان خیلی ارزشمند است. خداوند متعال انشاء الله وجود ایشان را برای ما و انقلاب محفوظ بدارد و وجود ایشان را سالم بدارد تا همه بتوانند از برکات ایشان استفاده نمایند. رهبر معظم انقلاب درباره درس هفتگی استاد مصباح فرمودند: هر چه از آن پخش شده و من گوش کردم واقعا انسان استفاده می‌کند. در ماه مبارک رمضان که سخنرانی ایشان عصرها پخش می‌شد من غالباً گوش می‌کردم و بهره می‌بردم. رهبر انقلاب: «آقای مصباح مورد هجوم است چون هر جا منطق قوی وجود داشته باشد، دشمن تشخیص می‌دهد/ با شهید مطهری هم همینطور کردند. «بنده نزدیک به چهل سال است که جناب آقای مصباح را می‌شناسم و به ایشان به عنوان یک فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحب نظر در مسائل سیاسی اسلام ارادت قلبی دارم. اگر خداوند متعال به نسل کنونی ما این توفیق را نداد که از شخصیت‌هایی مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری استفاده کند، اما به لطف خدا این شخصیت عزیز و عظیم القدر خلأ آن عزیزان را در زمان ما پر می‌کند.» «من خدا را شکر و حمد می‌کنم که نسل جوان ما در سراسر کشور به ایشان (استاد مصباح یزدی) شدیداً علاقمند و قدردان هستند». آیا ما نباید از خود بپرسیم این تفاوت نگاه بعضی‌ها به آیت‌الله مصباح با نگاه رهبری از کجا ریشه گرفته است؟ و آیا انحراف به این معنا یک واقعیت جدی نیست که وحدت ملی و دینی ما را با امثال این تحلیل‌ها که شما متذکر شدید نشانه گرفته است؟ موفق باشید